

مکان یابی ریو-اردشیر ساسانی و ریشهر سده‌های نخستین و میانه‌ی اسلامی

نگین میری

N_miri@sbu.ac.ir

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۲۱
(از ص ۱۶۱ تا ۱۷۲)

چکیده

نام ریو-اردشیر، به صورت کامل و اختصاری بر روی مهرها و سکه‌های ساسانی و با ضبط‌های مختلف در دیگر منابع نوشتاری هم‌زمان یا نزدیک به دوره‌ی ساسانی آمده است. منابع تاریخی و جغرافیایی سده‌های نخستین و میانه‌ی اسلامی اما به دو اسم مکان به نام ریشهر (که آن را صورت دگرگون شده‌ی ریو-اردشیر دانسته‌اند) اشاره دارند و از یکی با عنوان ریشهر توج، در ایالت اردشیرخوره و از دیگری با نام ریشهر در ایالت ارجان نام برده‌اند. بنا به بُعد مسافت میان توج و ارجان و دیگر مشخصات ارائه شده، این گزارش‌ها منطقاً نمی‌توانند دلالت بر یک مکان واحد داشته باشند. این دوگانگی در اطلاعات ارائه شده درباره‌ی ریو-اردشیر/ریشهر، ابهاماتی را در مکان‌یابی ریو-اردشیر ساسانی و سپس ریشهر سبب شده است. پژوهش حاضر، با بررسی مدارک باستان‌شناسی، مدارک مادی مربوط ساسانی، مدارک نوشتاری ایرانی و غیرایرانی هم‌زمان یا نزدیک به دوران ساسانی و البته متون تاریخی و جغرافیایی اسلامی و کنار هم قرار دادن قراین موجود، بر این امر صحه می‌نهد که در دوران ساسانی و نیز اسلامی، دو مکان به نام ریو-اردشیر یا سپس ریشهر وجود داشته است؛ یکی، در خوزستان یا منطقه‌ی مرزی میان پارس و خوزستان بوده است و دیگری، در شبه جزیره بوشهر. ریشهر توج، همان ریو-اردشیر پارس، اسقف نشین پارس و هند در سده‌های سوم تا ششم م. و ضرابخانه‌ی سکه‌هایی با نشان این شهر از اواخر سده چهارم تا میانه‌ی سده هفت م. بوده است و مکان آن را با محوطه‌ای در شبه جزیره بوشهر، می‌توان منطبق دانست و ریشهر ارجان، با ریو-اردشیر مذکور به روی مهر آمارگر ریو-اردشیر، بهمن-اردشیر و ایران-خوره-شاپور مطابقت دارد که در نزدیکی ارجان و در ناحیه‌ی زیتون در منطقه‌ی مرزی میان پارس و خوزستان تاریخی قرار داشته است.

کلیدواژه‌گان: جغرافیای تاریخی، ریو-اردشیر، ریشهر، پارس، خوزستان.

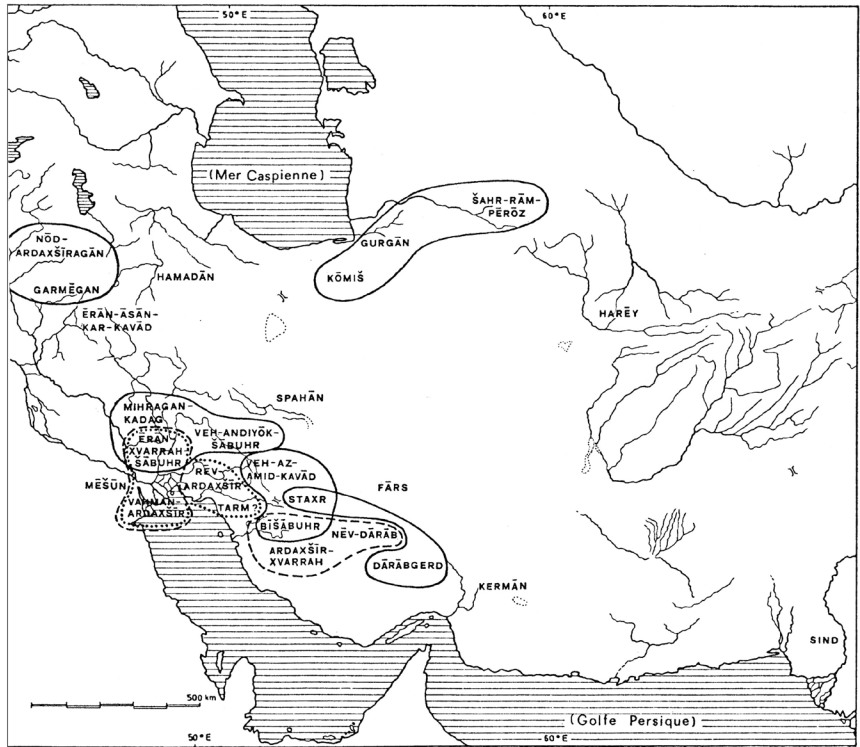
مقدمه

پژوهش‌های حوزه‌ی جغرافیای تاریخی از آن‌رو واجد اهمیت و درخور اعتنا هستند که به ارائه‌ی تصویری مشخص از بستر جغرافیای تاریخی وقایع یک مکان مشخص و محدوده‌ی پیرامون آن منجر می‌شوند. مکان‌یابی اسم مکان‌های مذکور در منابع تاریخی و باستان‌شناختی مستلزم بررسی منابع اطلاعاتی گوناگونی است که لزوماً محدود به زمان خاصی نیستند. روشن است هرچه در زمان پیشتر آییم، این منابع اطلاعاتی غنی‌تر می‌شوند. دوران ساسانی از نظر مطالعات جغرافیای تاریخی و اداری نسبت به دوران پیش از خود، به دلیل وجود مدارک مادی و نوشتاری هم‌زمان و متأخرتر، شرایط قابل توجهی دارد. با این وجود، هنوز پژوهش در این حوزه نسبتاً جوان و پویا است و ارائه مکان‌یابی‌های جدید بر مبنای مدارک نویافته یا بازنگری در مکان‌یابی‌های پیشین، از بسترهای مورد توجه پژوهشگران این عرصه است. نوشتار پیش‌رو به مکان‌یابی یکی از اسم مکان‌های نام برده شده در مدارک مادی -مهر و سکه- و نوشتاری دوران ساسانی یعنی «ریو-اردشیر» و نیز ریشه‌ی که در منابع اسلامی به آن اشاره شده، می‌پردازد. مکان‌یابی ریو-اردشیر و/یا ریشه‌ی موردی بحث برانگیز بوده و اطلاعات به ظاهر متناقض درباره‌ی این دو اسم مکان، تاکنون شناسایی مکان جغرافیایی آن‌ها را با مشکل مواجه کرده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی موشکافانه‌ی اطلاعات مربوط به دو اسم مکان یاد شده از راه گردآوری اطلاعات مربوط به آن‌ها در منابع پیش‌گفته، کنار هم گذاشتن شواهد دانسته و نیز نویافته‌ی موجود در همین مدارک، مطالعه‌ی داده‌های باستان‌شناسی و مروری تحلیلی بر پژوهش‌های پیشین درباره‌ی مکان‌یابی ریو-اردشیر و ریشه‌ی است. دست‌آخر با بهره‌گیری از مجموعه‌ی این اطلاعات، پیشنهاد نوینی درباره‌ی مکان‌یابی ریو-اردشیر و ریشه‌ی ارائه می‌شود.

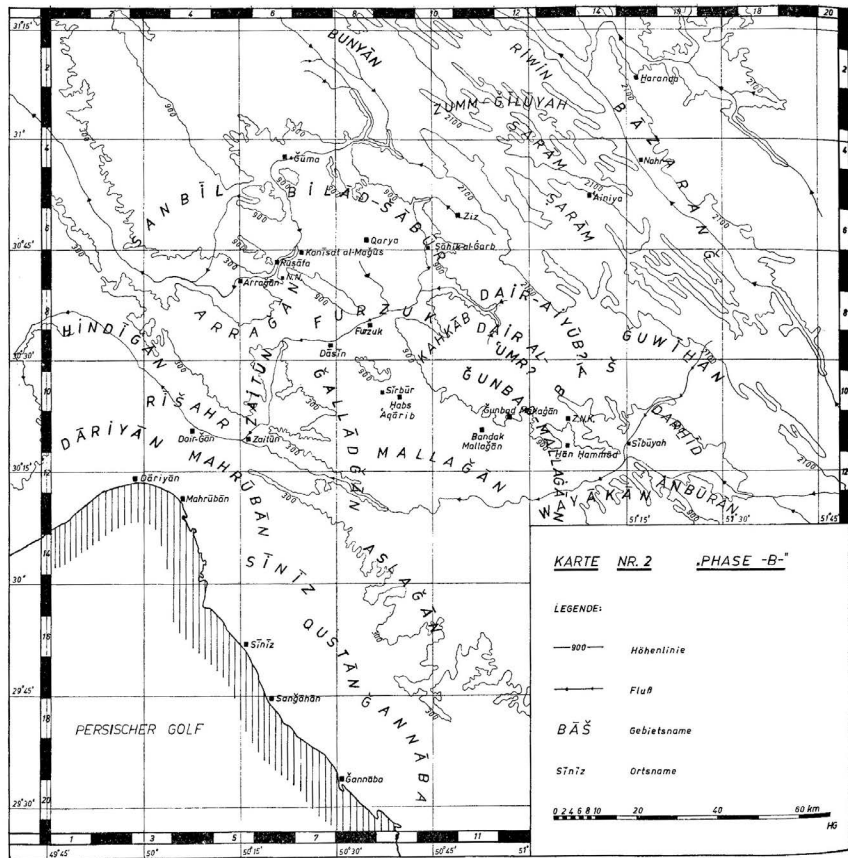
گستره‌ی جغرافیایی پارس

«پارس» در دوران ساسانیان، گستره‌ی وسیعی را دربر می‌گرفت. تعیین مرزهای سیاسی پارس در این دوران با استان‌های همجوارش، به دلیل عدم وجود تفسیری خطی از مرز میان دو ناحیه، ممکن نیست؛ چراکه می‌دانیم چنین مفهوم و نگاهی امری نسبتاً متأخر است. بزرگی و گستره‌ی هر استان یا به عبارت ساسانی آن شهر^۱، به احتمال زیاد بستگی به دیدگاه‌های حکومتی داشت و بیشتر مبین حوزه‌ی گسترش قدرت اداری، سیاسی و نظامی عوامل حکومتی منصوب در آن ناحیه بود. استان پارس ساسانی، در «کوست نیمروز» یا حوزه‌ی جنوبی پادشاهی ساسانی قرار داشت و از شرق به «کرمان»^۲، از غرب به «خوزستان»^۳، از شمال به «پهلوی»^۴ که شامل «سپاهان» می‌شد، و از جنوب به «دریای پارس» محدود بود.

منابع جغرافیایی اسلامی مرز غربی فارس با خوزستان را «رود طاب» (رودخانه جراحی فعلی) معرفی کرده‌اند (مثلاً، اصطخری: ۸۸). این پدیده طبیعی به احتمال زیاد در دوران پیش‌تر نیز مرز میان دو استان را تشکیل می‌داده است. مرز با پهلوی نیز شاید در راستای مراکز جمعیتی شکل گرفته در امتداد «زاینده‌رود» امروزی بوده است. در دوران اسلامی نیز، مراکز جمعیتی مانند «انجیره»، «برقو» و «ایزدخواست»، حدود شمالی فارس را تشکیل می‌دادند (اصطخری: ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۳؛ ابن‌حوقل: ۲۸۳



► نقشه ۱. مکان‌یابی حوزه‌های تحت نفوذ آمارگران براساس مکان‌یابی گیزلن (Gyselen, 1989: 93).



► نقشه ۲. نقشه‌ی شماره ۲ گابه، رستاق ریشهر در نزدیکی زیتون و حدفاصل مهروبان و ارجان (گابه ۱۳۵۹).

و ۲۸۵: ابن بلخی: ۲۲۷). مرز شرقی با کرمان نیز، به احتمال قوی، در منطقه‌ای بوده که از آن با نام «رودان» در منابع اسلامی یاد شده است. به گفته‌ی «اصطخری»، «ابن حوقل» و «مقدسی»، رودان در زمان‌های گذشته، بخشی از کرمان بوده است (اصطخری: ۲-۱۰۱؛ ابن حوقل: ۲۶۶؛ مقدسی: ۸-۴۳۷، حدودالعام: ۳۷۲). این گفته، می‌تواند مبین مرزی بودن این منطقه در دوران متقدم‌تر باشد. جنوب پارس نیز، همواره تا پیش از تقسیمات جغرافیایی متأخر به «خلیج فارس» محدود می‌شده است.

گواهی‌ها: نام ریو-اردشیر در منابع ساسانی و غیرساسانی هم‌زمان با دوران ساسانی

نام ریو-اردشیر بر روی یک مهر اداری ساسانی، سکه‌ها و منابع تاریخی مربوط به این دوران هم به‌صورت کامل و هم به شکل اختصاری ضبط شده است. نام ریو-اردشیر^۱، در کنار نام «ایران خوره شاپور»^۲، «بهمن اردشیر»^۳ و «ترم»^۴، بر روی مهر آمارگر^۵، این مناطق ذکر شده است (Gyselen, 1989: 36, 57). ایران خوره شاپور و بهمن اردشیر، هر دو مکان‌هایی در خوزستان بودند (Gyselen, 1989: 46-7, 60-1). (تصویر ۱).

نشان ضرابخانه‌ی این شهر نیز، به شکل «LYW» بروی سکه‌های «بهرام چهارم» (۹۹-۳۸۸ م.) تا «قباد اول» (۵۳۱-۴۹۸/۹۶-۴۸۸ م.) و به شکل کامل «LY-WARTHŠT/LY-WARTHŠRT» روی سکه‌های بهرام چهارم، ضبط شده است (Schindel, 2004: 165, 173).

در دوران حکومت «شاپور اول» (۲۷۰ - ۲۴۰ م.)، مسیحیان یونانی زبان به اسارت گرفته شده در نبردهای شرقی در ریو-اردشیر سکونت داده شده بودند (ŠKZ, Parthi-) (an 15 ff., Greek 34-36; Chronicle of Seert: 221). فارس ریشه دوانده و تا پایان سده سوم م. دو کلیسای یونانی و سریانی در ریو-اردشیر فعال شده بود (Asmussen, 1983: 928-30; Mc Culloch, 1982: 113-4, 128). (137, 141, 147; Chronicle of Seert: 222). گزارش شوراهای کلیسای سده‌ی چهارم م. به بعد و دیگر منابع سریانی، از جمله اعمال شهیدان موجود است؛ در اوایل سده پنجم م. کلیسای مسیحی ایران (کلیسای نسطوری) رسماً از اسقف‌نشین «انطاکیه» مستقل و ریو-اردشیر مبدل به مقر رسمی مطران کلیسای نسطوری پارس شد (Asmussen, 1983: 928-30; Chabot, 1902: 314, 345; Sims-Williams, 1991: 534). در نیمه‌ی دوم سده ۵ م.، اسقفی به‌نام «معنا»، مطران ریو-اردشیر، ترجمه‌ای از متون مذهبی مسیحی را به فارسی میانه نگاشته بود که نسخه‌ای از آن متعلق به سده شش م. به‌جا مانده است (Baum-stark, 1922: 105; Chabot, 1902: 300; Gropp, 1991: 85; Sims-Williams, 1991: 534). نام سایر چهره‌های مذهبی مسیحی منتسب به ریو-اردشیر، در دیگر متون سریانی نیز ذکر شده است (Sachau, 1914: VIII-XX, 207, 252).

تا پایان سده ششم م.، کلیسای نسطوری پارس غیر از ریو-اردشیر، شش اسقف‌نشین دیگر در شهرهای اصلی پارس داشت^۱. حوزه‌ی اداری اسقف‌نشین پارس محدوده‌ی گسترده‌ای را در بر می‌گرفت که از شمال «آفریقا» (جزیره‌ی



▲ تصویر ۱. طرح مهر آمارگر ریو-اردشیر، ایران خوره شاپور، بهمن اردشیر و ترم (Gyselen, 1989: 112).

سو کوئترا، در نزدیکی عدن) و شمال شرق «عربستان» تا جنوب هند را شامل می‌شد (Carter, 2008: 71, 99; Gropp, 1991: 85). داده‌های باستان‌شناسی (بقایای حدود هفت کلیسا و صومعه‌ی نسطوری) در «جزیره خارک»، سواحل جنوبی خلیج فارس و شمال شرقی شبه جزیره‌ی عربستان، به‌وجود یک جمعیت نسطوری در این مناطق، دست‌کم از میانه‌ی سده چهارم تا نهم م. دلالت دارند (Bowman 1974; Carter 2008; Ghirshman, 1971: 11-14, 17-24; Haerinck, 1975: 159-66; Herzfeld, 1935: 103-04; Matheson, 1976: 245-49).

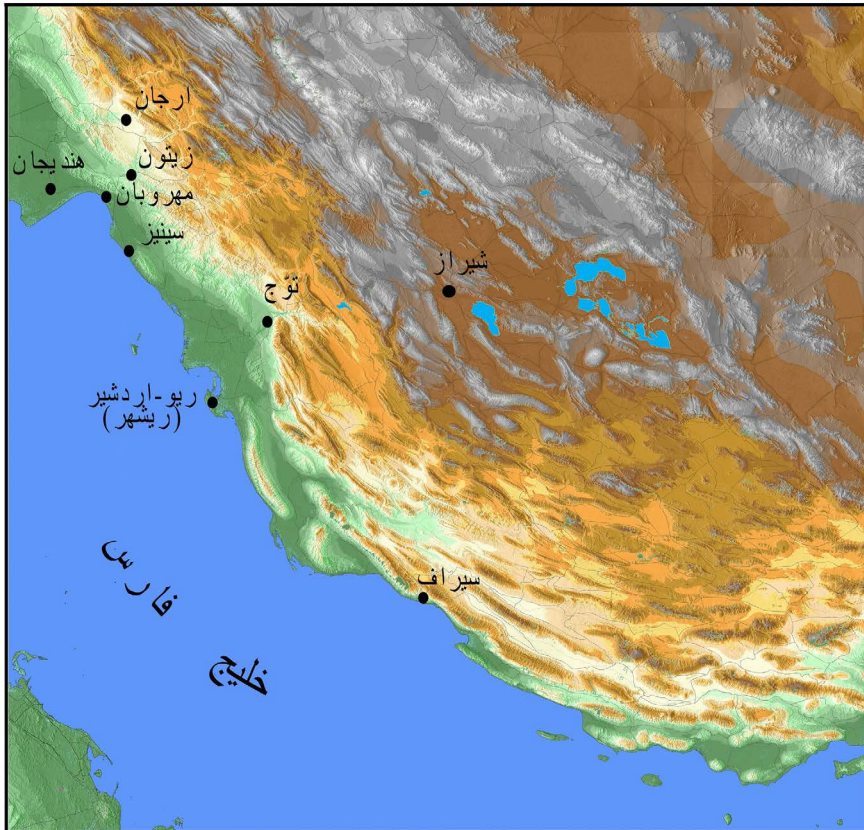
در نسخه‌ی خلاصه کتاب *جغرافیای ارمنی* از «Rēšīr ī Pārsān» به‌عنوان جایی که منشاء مرواریدهای خوبی بوده است، نام برده شده که اشاره به موقعیت ساحلی این مکان در پارس دارد (Hewsen, 1992: 74A)^{۱۱}؛ علاوه‌بر این، نام «مار ایوب» (سده ۴-۵ م.) از اهالی ریو-اردشیر، به‌عنوان بنیانگذار صومعه‌ای در «آدیابن»، در یک متن سریانی مربوط به سده نهم م. ذکر شده که وی را فرزند یک تاجر ثروتمند مروارید و سنگ‌های قیمتی در ریو-اردشیر معرفی کرده است (Chabot, 1896: 24). نام ریو-اردشیر در برخی از متون مانوی نیز به‌عنوان شهر بندری مهمی ذکر شده است. براساس این منابع، در سده سوم م. «مانی»، با یک کشتی از هند به‌سوی ایران سفری کرد و پیش از ادامه‌ی سفر در خشکی به سمت «خاراکس»، در ریو-اردشیر، که مهم‌ترین شهر بندری در آن روزگار بود، توقفی داشت (Gropp, 1991: 86; Sundermann, 1981: 56-7).

شواهد اخیر، با توجه به اشاره به مسأله صید و تجارت مروارید و موقعیت بندری برای ریو-اردشیر، ناظر بر موقعیت ساحلی این مکان بر ساحل خلیج فارس هستند.

گواهی‌ها: ریشهر (ریو-اردشیر) در منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی

«ابن خردادبه» ریشهر را رستاقی در «کوره ارجان» ذکر کرده است (ابن خردادبه: ۴۷). «بلاذری» در سده سوم هـ.ق. / ۹ م. در ذکر گزارش شکست مرزبان پارس از سپاه عرب، از «راشهر» با عنوان شهری در «خوره شاپور» و در نزدیکی «توج» که در «خوره اردشیر» بوده، یاد کرده است (بلاذری: ۳۷۵). براساس گزارش «حمزه اصفهانی»، ریو-اردشیر در سده چهارم ریشهر خوانده می‌شد (اصفهانی: ۴۵). در *حدودالعام*، ریشهر شهری خرم میان «سینیز» و «ارجان» ذکر شده است (حدود العالم: ۳۷۶). «طبری» ریو-اردشیر را یکی از هشت شهر بنا شده به دست «اردشیر اول» ساسانی می‌داند (Tabari. Vol. V: 16). اصطخری، ریشهر را از نواحی و شهرهای کوره ارجان آورده و آب ناحیه ریشهر به گفته‌ی وی از رود طاب تأمین می‌شده است (پس از گذر از شهر ارجان و پل تکان) (اصطخری: ۱۱۲، ۱۱۹). مقدسی در توصیف شهر ارجان از شش خیابان اصلی شهر به این ترتیب نام برده است: درب الاهواز، درب ریشهر، درب شیراز، درب الرصافه، درب المیدان (در کوره شاپور) و درب الکیالین (مقدسی: ۴۲۵). وی شهر رستاق ریشهر را «دیرجان» نام برده است (مقدسی: ۴۲۶). به گفته او، ریشهر در میانه‌ی راه ارجان به «مهروبان» قرار داشته است (مقدسی: ۴۵۳)^{۱۲} (نقشه ۳).

«طبری» و نیز «ابن بلخی»، ریشهر را محل گردآمدن سپاه ایران برای مقابله با اعراب که در «توج اردشیر خوره» بودند، ذکر کرده‌اند. نبرد میان نیروهای ایرانی و



نقشه ۳. اسم مکان‌های مرتبط با مکان‌یابی ریو-اردشیر و ریشهر (نگارنده ۱۳۹۳).

اعراب در حد فاصل ریشهر و توج روی داده بود (ابن‌بلخی: ۱۱۴؛ Tabari, Vol. XIV: 681) (نقشه ۳)؛ اما علاوه‌بر این، ابن‌بلخی ریشهر را ذیل کوره ارجان و شهری بر کناره‌ی دریا -در ترتیب وی، بعد از «هندیجان» و قبل از سینیز و «جنابا»- ذکر می‌کند و ناحیه‌ی آن‌را سرحد میان ارجان و خوزستان آورده است. وی در ذکر رود طاب گزارش می‌کند که این رود پس از گذر از شهر ارجان و «پل ثکان»، رستاق ریشهر را آبیاری کرده و در نزدیکی سینیز به دریا می‌ریزد (ابن‌بلخی: ۱۵۰-۱۴۹). «یاقوت حموی»، به نقل از اصفهانی، ریشهر را مخفف ریو-اردشیر و ناحیه‌ای در کوره ارجان ذکر کرده است. به گفته وی، در ریشهر عده‌ای از دبیران به‌نام «گشته دبیران»، سکنا داشتند که مطالب مربوط به پزشکی و ستاره‌شناسی و فلسفه را به خط «جستق» می‌نگاشتند^{۱۳}، اما در ادامه و در نقل ذکر نبرد سپاه اعراب و ایرانیان، آن‌را در نزدیکی توج و در «ارض سابور» گزارش کرده است. به گزارش وی نیز، رود طاب پس از گذر از شهر ارجان و «پل رکان»، این ناحیه را آبیاری می‌کرده است (یاقوت، ج. ۲: ۸۸۷، ج. ۳: ۴۸۵)؛ «حمدالله مستوفی» نیز در سده هشتم هـ.ق. «ریصهر» یا ریشهر را شهری متوسط به کنار دریای پارس ذکر کرده است (مستوفی: ۱۸۸).

نتیجه‌گیری

مکان‌یابی: «گیزلین» در مکان‌یابی ریو-اردشیر مذکور بر روی مهر آمارگر، به‌درستی، به‌وجود بیش از یک مکان با نام ریو-اردشیر اشاره کرده، با این حال ریو-اردشیر مهر آمارگر را با ریو-اردشیر مذکور در متون سریانی منطبق دانسته و

موقعیت آن‌را، احتمالاً براساس منابع بعدی، در حدفاصل مهروبان و ارجان دانسته که درست نیست. پیش‌تر به شواهد مربوط به موقعیت ساحلی ریو-اردشیر مقرر مطران نسطوری اشاره شد و ارتباط مطران ریو-اردشیر با حوزه‌ی جنوب هند نیز گویای موقعیت شرقی‌تر این مکان است تا غربی‌تر. نهایتاً گیزلین، با توجه به این‌که نام ریو-اردشیر بروی مهر آمارگر پیش‌گفته در کنار نام ایران خوره شاپور و بهمن اردشیر در خوزستان ذکر شده، موقعیت آن‌را در خوزستان یا در منطقه‌ی مرزی میان پارس و خوزستان و البته مستقل از خوره شاپور و ارجان، دانسته است (Gyselen, 1989: 57-8)، (نقشه ۱). به این ترتیب، این ریو-اردشیر در نزدیکی خوره ارجان، در غرب استان پارس بوده است.

نشان ضرابخانه‌ی LYW، نشان اختصاری ریو-اردشیر شناسایی شده است (Gyselen, 1983: 152). سرسکه‌های سکه‌های بهرام چهارم که نشان ضرابخانه «LYWARTHŠT/LYWARTHŠRT» را دارند، از نظر فنی مشابهت‌هایی با دیگر سکه‌های ضرب شده در پارس دارند (Mochiri, 1996: 75-6; Schindel, 2004: 165) و می‌توانند این احتمال را تقویت کنند که ضرابخانه‌ی ریو-اردشیر در پارس بوده نه در خوزستان؛ اما نظر به این‌که نام ریو-اردشیر به‌عنوان یک مرکز اداری بر روی مهر آمارگر نیز ذکر شده، تا به‌دست آمدن شواهد بیشتر نمی‌توان نسبت به موقعیت ضرابخانه‌ی ریو-اردشیر در فارس یا خوزستان با قطعیت نظر داد.

همان‌طور که اشاره شد، گزارش‌های ارائه شده در منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی ما را به این نتیجه می‌رسانند که دو مکان به‌نام ریو-اردشیر یا ریشهر، یکی با موقعیتی ساحلی و دیگری در داخل سرزمین پارس، وجود داشته و البته همین مسأله در مواردی موجب ابهاماتی در مکان‌یابی ریو-اردشیر/ریشهر شده است (Fiey, 1969: 179-82; Le Strange, 1905: 261, 271; Whitcombe, 1979: 81) گابه، ۱۳۵۹: ۳۳-۹ و ۸۴-۵، ۱۲۷-۳۰؛ شوارتس، ۱۳۸۲: ۶۰-۱۵۸)۴.

براساس منابع جغرافیایی سده‌های چهارم تا ششم هـ.ق. / ده تا دوازده م. ریشهر، شهر/ ناحیه‌ای در خوره ارجان و در حدفاصل سینیز و ارجان در کنار رودخانه طاب (رودخانه جراحی کنونی)، که مرز میان فارس و خوزستان را تشکیل می‌داده، بوده است (نقشه ۳). چنان‌چه ترتیب ذکر شده خیابان‌های ارجان توسط مقدسی را منطبق بر جهت‌گیری مشخصی بدانیم، درب ریشهر، پس از «اهواز» که در جنوب‌غربی ارجان بوده، به سمت جنوب ارجان اشاره خواهد داشت. براساس توصیف راه‌ها و منزل‌گاه‌ها، پژوهشگران ریشهر ارجان را در نزدیکی ناحیه‌ی «زیتون»، در جنوب ارجان شناسایی کرده‌اند (نقشه ۲) (گابه، ۱۳۵۹: ۸۴-۵؛ شوارتس، ۱۳۸۲: ۶۰-۱۵۸؛ Le Strange, 1912: 866). ریشهر ارجان خوره، به ظن قوی، همان ریو-اردشیر ذکر شده بر روی مهر آمارگر (در ناحیه‌ی زیتون یا نزدیک به آن) بوده که با دو مکان

جدول ۱. خلاصه‌ای از بحث مطرح شده در این نوشتار (نگارنده ۱۳۹۳). ▼

اسم مکان	گواهی‌ها	استان	نام در منابع اسلامی	مکان‌یابی
ریو-اردشیر	مهر آمارگر سکه‌های ساسانی اواخر سده ۴ تا میانه سده ۷ م.	خوزستان	ریشهر ارجان	نزدیک زیتون در جنوب ارجان
ریو-اردشیر	سکه‌های ساسانی اواخر سده ۴ تا میانه سده ۷ م. سقف نشین پارس و هند	پارس	ریشهر توج	نزدیک روستای متروکه ریشهر در شبه جزیره بوشهر

دیگر در خوزستان قرابت مکانی و وحدت اداری داشته است. این موقعیت البته اصلاً در نزدیکی توج نیست که ریشهری دیگر به آن منتسب شده است. توج در اردشیرخوره و دورتر، در جنوب ارجان و رود طاب قرار داشته است (نقشه ۳)^{۱۵}. این ریشهر که در متون مربوط به فتوحات از آن به‌عنوان ریشهر توج یاد شده، با ریو-اردشیر پارس، جایگاه مطران نسطوری و ریو-اردشیر مذکور در متون سریانی و مانوی یکی است. موقعیت دقیق‌تر این ریو-اردشیر / ریشهر دوم، منطبق با محوطه‌ای در شبه جزیره‌ی بوشهر در ۶ کیلومتری جنوب شهر «بوشهر» فعلی دانسته شده است. در این محوطه‌ی باستانی، بقایای قابل توجه و گسترده‌ای از دوران پیش از اسلام، -پارت و ساسانی- شناسایی شده است و روستایی با نام ریشهر نیز در نزدیکی محوطه قرار داشته است (Carter et al., 2006: 67; Simpson, 2007: 153-41; Williamson, 1972; Whitehouse and Williamson, 1973: 39-41). نام ریشهر به بندری در همین منطقه نیز اطلاق می‌شده که تا پیش از بنیان بوشهر، در زمان «نادرشاه افشار» در سده ۱۲ هـ.ق. / ۱۸ م، مرکز جمعیتی و شهر بندری این منطقه بوده است و قلعه‌ای منتسب به پرتغالی‌ها نیز در آن وجود دارد. نقشه‌های پرتغالی شبه جزیره بوشهر، متعلق به سده‌های ۱۶-۱۷ م. نام ریشهر را به‌صورت «Reixer» ضبط کرده‌اند و بسیاری دیگر از نقشه‌ها و گزارش‌های سده ۱۹ و نیمه‌ی نخست سده ۲۰ اروپاییان درباره‌ی خلیج فارس، به‌وجود ویرانه‌ها و بقایای باستانی در ریشهر اشاره کرده‌اند (Simpson, 2007: 154)^{۱۶}. بر مبنای تفاوت‌های اساسی میان قلعه‌ی پرتغالی‌های بوشهر و دیگر قلاع ساخته شده توسط پرتغالی‌ها در حوضه‌ی خلیج فارس، «ویلسون» زمان ساخت اصلی آن را پیش از سده ۱۷ م، یعنی قبل از حضور پرتغالی‌ها در منطقه دانسته است (Wilson, 1928: 74). بررسی‌های «ویلیامسون» در محوطه‌ی قلعه و مطالعه‌ی سفال‌های آن و نیز لایه‌نگاری مقطع دیواره‌ی از قلعه در حاشیه‌ی ساحل نیز بر وجود سازه‌ای متعلق به دوران پیش از اسلام در قلعه دلالت دارند (Whitehouse & Williamson, 1973: 40). سفال‌های شاخص دوران اوایل اسلام، -سفال‌های اموی و عباسی- در محوطه‌ی ریشهر به‌دست نیامده است. این فقدان مدارک باستان‌شناختی متعلق به دوران اوایل اسلام در محوطه‌ی ذکر شده و به‌طور کلی افول استقرارها در شبه جزیره بوشهر پس از دوران ساسانی و به‌ویژه در اواخر سده ۸ و اوایل سده ۹ م، گویای ترک استقرار در آن پس از افول ساسانیان است. این مسأله شاید به‌دلیل حوادث اجتماعی و سیاسی رخ داده در منطقه در این زمان و گسترش‌های بعدی در محوطه‌هایی چون «سیراف» و توج بوده باشد (Carter et al. 2006: 97-8; Whitcomb, 1979: 81; Whitehouse & Williamson, 1973: 40). *فارس‌نامه‌ی ناصری*، در سده ۱۳ هـ.ق. / ۱۹ م، ریشهر را قصبه‌ای در بلوک «دشتستان»، در ۱/۵ فرسخی (حدوداً ۹ کیلومتری) بوشهر معرفی کرده است (فسایی: ۱۳۳۵).

«ویتکمب» در مورد موقعیت ریشهر و گزارش‌های به‌ظاهر دوگانه‌ی مرتبط با آن می‌گوید: «گرچه هیچ مدرک نوشتاری یا باستان‌شناختی در دست نیست، اما می‌توان ایده‌ی جابه‌جایی جمعیت ریشهر را در دوران اولیه‌ی اسلامی از شبه جزیره بوشهر به‌داخل سرزمین و جنوب ارجان طرح کرد؛ البته جابه‌جایی‌های جمعیتی از این دست، در نتیجه‌ی فتوحات اعراب و دوران پس از آن، -چه اجباری، چه غیر از

آن- بسیار نادر بوده و باید به دنبال توضیحی دیگر برای این موقعیت دوگانه ریشهر بود» (Whitcombe, 1979: 81).

مکان یابی ریشهر توج به عنوان مکانی اساساً متفاوت از ریشهر ارجان و ریو-اردشیر مذکور بروی مهرهای ساسانی که موقعیت آن در نزدیکی زیتون شناسایی شده، می‌تواند همان توضیح مورد نظر برای این موقعیت دوگانه باشد. سناریوی قابل قبول تر از جابه‌جایی جمعیتی برای توضیح فقدان افول استقرار در شبه جزیره بوشهر، این است که نبرد مذکور در ادبیات فتوحات میان اعراب و ایرانیان در ریشهر واقع در شبه جزیره بوشهر رخ داد و پس از آن این مکان رونق خود را از دست داد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در بررسی‌های انجام شده نیز هیچ داده‌ی باستان‌شناختی قابل توجهی متعلق به سده‌های اولیه و میانه‌ی اسلامی از این منطقه به دست نیامده است. ویتکمب، خود بعدها و در نتیجه‌ی بررسی منطقه‌ی میان بوشهر و برازجان، به سال ۱۹۸۷ م. مطرح کرد که افول ریشهر شاید بنا به دلایل اقتصادی و سیاسی و رونق گرفتن شهر توج به عنوان بندری مهم در این منطقه بوده باشد (Whitcombe, 1987: 332-4). داده‌های باستان‌شناسی نیز بر چنین امری صحنه می‌نهند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، ریشهر و شبه جزیره بوشهر در پایان دوران ساسانی، شاهد افول استقرار شده و درست از همین زمان به بعد مدارک باستان‌شناسی به شکل‌گیری استقرار در توج شهادت می‌دهند (Carter et al. 2006: 97)؛ شاید به همین دلیل و نیز قرابت مکانی، این ریشهر به توج منتسب شده و «ریشهر توج- نامیده شد؛ البته در حالی که تا مدت‌ها، دیگر ریشهر چندان آبادی وجود نداشت، اما حضور نام این ریشهر در کنار نام ریشهر ارجان در منابع اسلامی، عامل سردرگمی‌های بعدی شد.

پی‌نوشت

1. šahr
 2. Kirmān
 3. Hūzistān
 4. Pahlaw
 5. Rēw-Ardašīr
 6. Ērān-Xwarrah-Šābuhr
 7. Wahman-Ardašīr
 8. Tarm
 9. āmārgar
۱۰. شامل اصطخر، دارابگرد، اردشیر خوره، سیراف، بیشاپور و کارزون (Jullien & Jullien, 1969; 281, 284; Fiey, 1969; 2002; Sachau, 1916: 959).
۱۱. نسخه‌ی خلاصه کتاب *جغرافیای ارمنی* خلاصه شده‌ی کتابی بزرگتر به همین نام است که در اواخر سده ۶ و اوایل سده ۷ م. توسط «انانیاس شیراکی» تألیف شده بود. «هیوسن»، زمان تألیف نسخه‌ی خلاصه را اواخر سده ۸ م. دانسته است. این همان کتابی است که به نام *جغرافیای موسی خورزی* شهرت دارد، اما انتساب آن به وی، مورد قبول پژوهشگران نیست (Hewsen, 1971: 187, note 7).
۱۲. مقدسی در ذکر راه میان ارجان و نوبندگان در ایالت شاپور زیتون را نخستین منزل پس از ارجان آورده است (ص. ۴۵۳).
۱۳. به نظر گابه، شاید این اشاره یاقوت، به عالمان مسیحی ساکن ریو-اردشیر بوده باشد که متونی به زبان و خط سریانی می‌نگاشتند (گابه، ۱۳۵۹: ۳۱). از نظر زمانی البته اطلاعی درباره‌ی حضور این عالمان در ریو-اردشیر یا ریشهر در سده ۷ هـ.ق. در دست نیست.
۱۴. البته برخی از پژوهشگران موقعیت ریو-اردشیر ساسانی را در بندر بوشهر ذکر کرده‌اند، اما این شناسایی بدون در نظر گرفتن یا ارائه توضیحی درباره‌ی اطلاعات دیگری پوده که در سایر منابع مادی و نوشتاری هم‌زمان و متأخر درباره‌ی ریو-اردشیر یا ریشهری دیگر به دست داده شده است (مثلاً: Carter 2006: 67, 2008: 71; Whitehouse & Williamson, 1973: 39-41).
۱۵. شهر اوایل اسلامی توج در شمال برازجان شناسایی شده است (Carter et al. 2006: 67, 71; Whitcomb, 1987: 333 & n. 31).
۱۶. مثلاً در نقشه‌ی ۱۷۶۵ م. نیبور، از آن با عبارت «Rischahr ruin» یاد شده است (Simpson, 2007: 154).

کتابنامه

- ابن بلخی، ۱۳۶۳، *فارس نامه*، تصحیح: گ. لسترنج و ر. آ. نیکلسون، تهران: دنیای کتاب.
- اصفهانی، حمزه، ۱۳۴۶، *تاریخ سنی الملوک الارض والانبیاء*، ترجمه: م. ج. شعار، تهران.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۲۷۹هـ.ق.)، ۱۹۸۸ م.، *فتوح البلدان*، بیروت: مکتبه‌ی الهلال.
- بی‌نا، *حدودالعالم من المشرق الی المغرب*، مقدمه: و. بارتولد، تعلیقات: و. مینورسکی، ترجمه: میرحسین شاه؛ تصحیح و حواشی: مریم میراحمدی، غلامرضا ورهرام، تهران: دانشگاه الزهرا.
- شوارتس، پاول، ۱۳۸۲، *جغرافیای تاریخی فارس*، ترجمه: ک. جهانداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فسایی، حسن، ۱۳۷۸، *فارس نامه ناصری*، تهران: امیرکبیر.
- گابه، هاینتس، ۱۳۵۹، *ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان دوره صفوی*، ترجمه: سعید فرهودی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- مستوفی، حمدالله، *نزهة القلوب*، تصحیح و تحشیه: م. دبیر سیلقلی، تهران: انتشارات طه
- یاقوت حموی، یاقوت ابن عبدالله (۵۷۴-۶۲۶هـ.ق.)، ۱۹۶۵ م. / ۱۳۴۴ هـ.ش.، *معجم البلدان*، طهران: انتشارات اسدی، ۶ ج.

- 1999, *Ta'rikh al-rusul wa'l mulūk (The history of al-Ṭabarī)*, English. Selections, vol. V: The Sasanids, the Byzantines, the Lakmids, and Yemen. Translated and annotated by C. E. Bosworth, Albany: State University of New York Press

- Asmussen, J. P., 1983, "Christians in Iran", *The Cambridge History of Iran*, ed. E. Yarshater, vol. 3(2), pp. 924-948

- Baumstark, A., 1922, *Geschichte der syrischen Literatur: mit Ausschluss der christlich-palästinensischen Texte*, Bonn: Weber

- Bowman, J., 1974, "The Sasanian Church in the Kharg Island," *Com-mémoration Cyrus. Hommage universel, Acta Iranica 1*, Tehran and Liège, pp. 217-20.

- Carter, R. A., Chillis, K., Priestman, S. M. N. & Tofighian, H., 2006, "The Bushehr Hinterland: Results of the First Season of the Iranian-British Archeological Survey of Bushehr Province, November-December 2004", *Iran 44*: 63-103

- Carter, R.A., 2008, "Christianity in the Gulf during the First Centuries of Islam", *Arabian Archaeology and Epigraphy 19*: 71-108

- Chabot, M. J.-B., 1896, "Le livre de la Chasteté composé par Jésusde-nah, Évêque de Baçrah", Rome.

- Chabot, M. J.-B., 1902, *Synodicon Orientale ou Recueil de Synodes Nestoriens*, Paris

- Chronicle of Seert. Ed. With French trans. Addai Scher et. J. Périer, 1908. "Histoire Nestorienne (Chronique de Séert). Première partie". *Patro-*

logia Orientalis 4 (1): 215-313

- Fiey, J. M., 1969, "Diocèses syriens orientaux du Golfe Persique", *Mé-morial Mgr Gabriel Khouri-Sarkis*, Louvain, pp. 177-219
- Fiey, J. M., 1974, "Les communautés syriaque en Iran des premiers siècles à 1552", *Commémoration Cyrus, Actes du Congrès de Shiraz 1971. Hommage universel*, III (=Acta Iranica). Tehran/Liège, pp. 279-297
- Ghirshman, R., 1971, *The Island of Kharg*, 4th print., Tehran
- Gropp, G., 1991, "Christian Maritime Trade of Sasanian Age in the Persian Gulf", *Golf-Archäologie: Mesopotamien, Iran, Kuwait, Bahrain, Vereinigt Arabische Emirate und Oman*, Schippmann, K., Herling, A. and Salles J. F. (eds.), Verlag Marie L. Leidorf, Buch am Erlbach, pp. 83-88
- Gyselen, R., 1989, *La géographie administrative de l'emire sassanide. Les témoignages sigillographique*, [Res Orientales I], Paris: Bures-sur-Yvette, Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient
- Haerinck, E., 1975, "Quelques monuments funéraires de l'Île de Kharg," *Iranica Antiqua* 11: 134-64.
- Herzfeld, E., 1935, *Archaeological History of Iran*, London.
- Hewsens, R. H., 1971, "The Geography of Pappus of Alexandria: A Translation of the Armenian Fragments", *Isis* 62 (2): 186-207
- Hewsens, R. H., 1992, *The Geography of Ananias of Širak (Ašxarhac 'oyc')*. The Long and the Short Recensions. Introduction, Translation and Commentary. Wiesbaden (Beihefte zum Tübinger Atlas des Vorderen Ori-ents, Reihe B-Geisteswissenschaften, Nr. 77)
- Ibn-e Howqal, 1967, *Kitab Surat al-arz*, ed. J. H. Kramers, Bibliotheca Geographorum Arabicorum 2, Leiden: Brill
- Ibn-e Khurdadbeh, 1967, *Kitab al-masalik wa-al-mamalik*, ed. M. J. de Goeje, Bibliotheca Geographorum Arabicorum 6, Leiden: Brill
- Istakhri, 1967, *Kitab Masalik al-mamalik*, ed. M. J. de Goeje, Bibliotheca Geographorum Arabicorum 1, Leiden: Brill
- Jullien Ch. & Jullien, F., 2002, *Apôtres des Confins: Processus missionnaires chrétiens dans l'empire iranien*, Bures-sur-Yvette: Groupe pour l'étude de la civilisation du moyen-orient
- Le Strange, G., 1905, *The Lands of the Eastern Caliphate; Mesopotamia, Persia, and Central Asia from the Moslem conquest to the time of Timur*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Le Strange, G., 1912, "Description of the Province of Fars in Persia at the Beginning of the Twelfth Century A.D." Translated by: G. Le Strange from Fars Nameh by Ibn-e Balkhi. In *Journal of the Royal Asiatic Society* 44 (1): 1-30, 44(2): 311-339, 44 (4): 865-889.
- Matheson, S. A., 1976, "Persia". *An Archaeological Guide*, 2nd ed., London, pp. 245-49.
- McCulloch, W., S.1982, *A Short History of Syriac Christianity to the Rise of Islam*, California: Scholars Press.
- Mochiri, M. I., 1996, "Petit liste de quelques ateliers sassanides inédits", *Iran*, vol. 34, pp. 61-78
- Muqaddasi, 1967, *Kitab ahsan al-taqasim fi marifat al-aqalim*, ed. M. J. de Goeje, Bibliotheca Geographorum Arabicorum 3, Leiden: Brill
- Sachau, E., 1914, *Syrische Rechtsbücher*, Berlin: G. Reimer.

- Sachau, E., 1916, "Vom Christentum in der Persis", in *Sitzungsberichte der Königlich Preussischen Akademie der Wissenschaften*, Berlin, pp. 958-980.
- Schindel, N., 2004, *Sylloge Nummorum Sasanidarum: Paris-Berlin-Wien. Band III: Shâpur II - Kawâd I*, 2 vol. Wien: Österreichischen Akademie der Wissenschaften
- Simpson, S. J., 2007, "Bushire and beyond: some early archaeological discoveries in Iran", *From Persepolis to the Punjab: Exploring the Past in Iran, Afghanistan and Pakistan*, Errington E. & V. S. Curtis (eds.), London: British Museum Press, pp. 153-165, fig. 138-153.
- Sims-Williams, S., 1991, "CHRISTIANITY iv. Christian Literature in Middle Iranian Languages", *Encyclopedia Iranica*, Vol. V, Fasc. 5: 534-535
- Sundermann, W., 1981, "Mitteliranische manichäische Texte kirchengeschichtlichen Inhalt", in *Berliner Turfantexte XI*, Berlin
- Tabari, 1989, *Ta'rikh al-rusul wa'l mulūk (The history of al-Ṭabarī)*, English. Selections, vol. XIV: The conquest of Iraq, Southwestern Persia, and Egypt. Translated and annotated by Gautier H. A. Juynboll, Albany: State University of New York Press
- Whitcomb, D. S., 1979, "Trade and Tradition in Medieval Southern Iran", Ph.D dissertation, Department of Anthropology, University of Chicago, Chicago
- Whitcomb, D. S., 1987, "Bushire and the Angali Canal", *Mesopotamia XXII*: 311-336.
- Whitehouse, D., & Williamson, A., 1973, "Sasanian Maritime Trade", *Iran* 11: 29-49.
- Williamson, A., 1972, "Persian Gulf Commerce in the Sassanian Period and the First Two Centuries of Islam", *Bastanshenasi va Honar-e Iran* 9/10: 97-109.
- Wilson, A. T., 1928, *The Persian Gulf: an Historical Sketch from the Earliest Times to the Beginning of the Twentieth Century*, Oxford: Clarendon Press